



گزارش کارشناسی

موضوعات مورد بررسی در دومین

جلسه شورای نگهبان در سال ۱۳۹۱

کد گزارش: ۹۱۰۰۰۱

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۰۱/۲۲

شناسنامه گزارش

موضوع:

گزارش کارشناسی

موضوعات مورد بررسی در دومین

جلسه شورای نگهبان در سال ۱۳۹۱

تهیه کننده: مرکز تحقیقات شورای نگهبان

ناظر علمی: معاون پژوهشی

شماره گزارش: ۹۱۰۰۰۱

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۱/۰۱/۲۲

فهرست مطالب

- طرح صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی ۱
- لایحه حمایت خانواده ۵
- لایحه موافقت نامه همکاری حقوقی و قضائی در امور مدنی و احوال شخصیه بین ایران و عراق ۱۶
- لایحه موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و دولت جمهوری عراق ۱۹
- لایحه موافقتنامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و کیفری بین ایران و بوسنی و هرزگوین ... ۲۰
- اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران ۲۱
- اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی ۲۹

- طرح صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی

۱. مقدمه توجیهی، ضرورتها و اهداف

باتوجه به قوانین جدید برخی دولتها نظیر دولت ایالات متحده آمریکا که با قانون بودجه دفاع ملی سال ۲۰۰۸ میلادی و با ذکر استثنائات مصونیت دولتهای خارجی، دایره مصونیت از رسیدگی قضائی و اجرای حکم علیه دولتهای خارجی را بسیار محدود کرده است و لزوم اصلاح قوانین مربوطه در ایران جهت پیگیری حقوق تضییع شده کشور و اتباع ایرانی توسط دولت مستکبر آمریکا و برخی دولتهای همسو با سیاستهای آن قدرت، طرح مذکور ارائه شده است.

۲. قوانین و مقررات مرتبط

الف: قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی مصوب ۱۳۷۸.

ب: قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی - مصوب ۱۳۷۹.

ج: قانون تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مصونیت های قضایی دولتها و اموال آنها - مصوب ۱۳۸۷ -

د: آیین نامه اجرایی قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی - مصوب ۱۳۷۸ - موضوع تصویب

نامه شماره ۷۵۳۰/ت ۲۲۸۳۷ هـ مورخ ۱۳۷۹/۲/۳۱

۳- نظر دولت

هیئت وزیران طی تصمیم نامه شماره ۴۴۶۲۳/۶۷۷۷۲ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۶ ضمن موافقت با طرح مذکور وزارت دادگستری را به عنوان نماینده دولت جهت تبیین مواضع دولت تعیین نمود.

۴- سابقه طرح

براساس قانون ضد تروریسم در آمریکا، دادگاههای آمریکایی می‌توانند به دعاوی مطرح شده علیه دولتهای خارجی که در فهرست دولتهای تروریست از آنها نام برده شده است و بنا به ادعا از طریق نمایندگان و عمال خود و یا به طور غیر مستقیم با تأمین منابع مالی در قتل، شکنجه، هواپیماربائی و گروگان گیری اتباع آمریکا دخالت داشته‌اند، رسیدگی کند.

به موجب این قانون، شکایتی از طرف یک تبعه آمریکائی که دخترش بر اثر انفجار در سرزمین های اشغالی فلسطین در تاریخ ۵ آوریل ۱۹۹۵ کشته شد، در یک دادگاه آمریکایی مطرح و رأی دادگاه مبتنی بر محکومیت جمهوری اسلامی ایران به پرداخت ۲۴۷/۵ میلیون دلار صادر و ابلاغ گردید. سه گروگان آمریکائی در لبنان نیز علیه جمهوری اسلامی ایران در دادگاههای آمریکا شکایت نمودند و رأی دادگاه مبنی بر محکومیت جمهوری اسلامی ایران به ۶۵ میلیون دلار صادر شد. همچنین شکایات دیگری نیز در این راستا در دادگاههای آمریکا مطرح شد که به مرحله صدور رأی قطعی رسیده است.

با عنایت به اینکه پیش‌بینی می‌شد این روند ادامه داشته و توسعه یابد، لذا به

منظور ایجاد امکان اقدام متقابل، تصویب قانونی در خصوص طرح دعوا در موارد مشابه علیه ایالات متحده آمریکا در محاکم داخلی کشور، ضروری بود و در همین راستا، قانونگذار در سال ۱۳۷۸ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی را تصویب و در سال ۱۳۷۹ نیز آن را اصلاح کرد. از آنجا قانون مذکور و اصلاحیه آن وافی به مقصود نبود، لذا این در راستای تکمیل آن قانون تهیه و تصویب شده است.

۵- اظهار نظر کارشناسی

ماده (۱)

الف) قسمت اخیر ماده (۱) محل ابهام است. سوال این است که آیا قاضی باید تشخیص دهد یک گروه یا یک شخص ماهیت تروریستی دارند یا وزارت اطلاعات به جای قاضی مرجع تعیین گروههای تروریستی یا اشخاص تروریست است. اگر نظر وزارت اطلاعات ملاک و معیار باشد، این امر مخالف و مغایر با اصل استقلال قاضی مندرج در اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی است.

ب) با توجه به صلاحیت شورای عالی امنیت ملی مندرج در اصل ۱۷۶ قانون اساسی، تعیین فهرست اشخاص یا گروههای تروریستی توسط وزارت اطلاعات، مغایر با اصل مذکور می باشد.

ج) تعیین فهرست دولتهای مشمول عمل متقابل توسط وزارت امور خارجه، با توجه به صلاحیتهای شورای عالی امنیت ملی، مندرج در اصل ۱۷۶ قانون اساسی، مغایر با اصل مذکور می باشد.

ماده (۴)

درخصوص رعایت اصل عمل متقابل در تقویم خسارات مادی و معنوی ایرادات زیر قابل بیان است:

اولاً: ضمانت اجرای جبران خسارات بدنی در قانون مجازات اسلامی، پرداخت دیه و بعضاً ارش می‌باشد، بنابر این رعایت میزان مندرج در این ماده ممکن است مغایر با دیه تعیین شده باشد که از این جهت از لحاظ رعایت موازین شرعی محل تأمل است. ثانیاً: ضرورت تبعیت و پیروی قاضی از نحوه تقویم خسارات مادی و معنوی زیان دیدگان و نیز خسارات تنبیهی در نظام حقوقی دیگر، اصل استقلال قضات را مخدوش می‌نماید.

ثالثاً: جبران خسارات مستلزم ورود خسارت، تحقق نتیجه زیان بار و برقراری رابطه علیت میان این دو می‌باشد و بنابر قواعد اتلاف و تسبیب، میزان خسارات بر مبنای ضرر وارد شده تعیین می‌شود، بنابر این هر چند موکول نمودن امکان جبران خسارت طبق این قانون به عمل متقابل دولتهای دیگر صحیح است، ولی تقویم خسارت بر مبنای عمل متقابل فاقد توجیه و وجاهت حقوقی می‌باشد و از این حیث مغایر بند (۱۴) اصل سوم قانون اساسی است.

بند «پ» ماده (۹)

مفاد این بند مربوط به اعمال اقدامات اجرایی نسبت به اموال مشمول مصونیت بر اساس مقررات بین المللی، مغایر تعهدات بین المللی ایران نسبت به معاهده مزایا و مصونیت های دیپلماتیک (کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک و کنسولی) می

باشد.

ماده (۱۰)

باتوجه به اینکه ماهیت مصوبه مجلس شورای اسلامی قضایی می باشد و مشمول مفاد مندرج در اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی است، لذا تصویب آیین نامه اجرایی قانون در صلاحیت رئیس قوه قضائیه است.

- لایحه حمایت خانواده

الف - مقدمه توجیهی، ضرورتها و اهداف

«خانواده» به عنوان نهادی بنیادین، نقشی حیاتی در سعادت اعضای آن و استواری پایه‌های جامعه ایفا می نماید؛ به طوری که اصل دهم قانون اساسی بیان می دارد که «همه قوانین و مقررات و برنامه ریزیهای مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به نظریات شورای نگهبان در غیر شرعی اعلام کردن بخشی از مقررات مربوط به حقوق خانواده به ویژه قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳، برخی موارد با خلاء قانونی روبرو گردید. از سوی دیگر متشتت بودن مقررات خانواده و معلوم نبودن ناسخ و منسوخ آنها موجب بروز مشکلات عدیده ای در حل و فصل دعاوی خانوادگی شد. با توجه به موارد مذکور و با عنایت به نقش و جایگاه

ویژه نهاد خانواده در نظام حقوقی و تربیتی اسلام و به منظور تحقق بخشیدن به مفاد اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با اذعان به وجود برخی کاستیها و نواقص در قوانین موجود حاکم بر نهاد خانواده و در نتیجه سردرگمی محاکم دادگستری در رسیدگی به دعاوی مطروحه و نیز آثار زیانباری که از رهگذر ابهام، اجمال، سکوت قوانین و عدم تطبیق آنها با واقعیات روز به نهاد خانواده و جامعه وارد می‌آید، ضرورت بازنگری در این قوانین و تدوین لایحه ای که تا حد امکان مشکلات موجود را مرتفع نموده و نسبت به تنگناهای احتمالی آینده نیز پاسخگو باشد، به خوبی احساس می‌شود.

«لایحه حمایت خانواده» با در نظر گرفتن موارد مذکور تهیه و تصویب شده است.

برای نیل به اهداف مورد نظر، از جمله موارد زیر پیش بینی شده است:

۱. تأسیس دادگاه اختصاصی خانواده،
۲. رسیدگی به تمامی دعاوی خانوادگی به وسیله قضات متعدد،
۳. الزامی نمودن حضور بانوان دارنده پایه قضایی در محاکم خانواده و مداخله ایشان در فرایند دادرسی و صدور رأی،
۴. تأسیس مراکز مشاوره خانواده،
۵. تسهیل در اتخاذ تصمیم فوری دادگاه راجع به اموری از قبیل حضانت، نگهداری و ملاقات طفل و نفقه،

۶. امکان انجام ابلاغ در دادگاه خانواده از طرق سریع مانند نمابر و پیامهای تلفنی و پست الکترونیکی،

۷. امکان طرح دعوای مادر برای مطالعه نفقه فرزند،

۸. امکان طرح برخی از دعوای از سوی زوجه در محل اقامت خود.

ب - قوانین و مقررات مربوط

ردیف	عنوان
۱	اصول (۱۰)، (۲۱) و (۱۵۸) قانون اساسی
۲	قانون راجع به ازدواج (مصوب ۱۳۱۰/۵/۲۳) (کمیسیون قوانین عدلیه)
۳	قانون راجع به انکار زوجیت (مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۲۰) (کمیسیون قوانین عدلیه)
۴	قانون مدنی کتاب دوم: در تابعیت (مواد ۹۸۴ الی ۹۸۷) کتاب چهارم: در اقامتگاه (مواد ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶) کتاب پنجم: در غایب مفقود الاثر (مواد ۱۰۲۸ و ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰) کتاب ششم: در قرابت (مواد ۱۰۳۱ الی ۱۰۳۳) کتاب هفتم: در نکاح و طلاق (مواد ۱۰۳۴ الی ۱۱۵۷) کتاب هشتم: در اولاد (مواد ۱۱۵۸ الی ۱۱۹۴) کتاب نهم: در خانواده (مواد ۱۱۹۵ الی ۱۲۰۶) کتاب دهم: در حجر و قیمومیت (۱۲۰۷ الی ۱۲۵۶)

۵	قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از وقوع ازدواج (مصوب ۱۳۱۷/۹/۱۳)
۶	قانون حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵)
۷	قانون حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها (مصوب ۱۳۶۴/۵/۶)
۸	قانون مربوط به حق حضانت (مصوب ۱۳۶۵/۴/۲۱)
۹	قانون الزام تزریق واکسن ضد کزاز برای بانوان قبل از ازدواج (مصوب ۱۳۶۷/۲/۱۹)
۱۰	قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۷/۲۴
۱۱	قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مورخ ۱۳۷۱/۸/۲۸)
۱۲	قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل (۲۱) قانون اساسی (دادگاه خانواده) (مصوب ۱۳۷۶/۵/۸)
۱۳	قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش (مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۱)
۱۴	قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور (مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۹)
۱۵	قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی (مصوب ۱۳۸۵/۷/۲)

ج - اظهار نظر کارشناسی

تبصره (۲) ماده (۱)

در حوزه قضایی بخش، تنها یک دادگاه عمومی وجود دارد و دادگاهها تفکیک به حقوقی و کیفری نشده اند.

رسیدگی دادگاه بخش به امور خانوادگی و کیفری و مدنی به طور همزمان، مخالف و مغایر بند (۴) سیاست های کلی قضایی نظام ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری است. «بند ۴ - تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطوح مورد نیاز»، زیرا یکی از اهداف تشکیل دادگاه خانواده، علاوه بر اهمیت و سرنوشت ساز بودن آن، تشکیل مرجعی است که با فراغت بال از رسیدگی به دعاوی کیفری و مدنی غیر مرتبط، وقت خود را صرف تمرکز بر دعاوی خانوادگی نموده و از خلط و پیچیدگی مباحث غیر مرتبط جلوگیری نماید.

تبصره ماده (۴)

الف - حکم به اعتبار تصمیمات مراجع عالی اقلیت های دینی در امور حسبی و احوال شخصیه اقلیتهای دینی و مذهبی و لزوم تنفیذ و اجرای آن از سوی محاکم قضایی بدون رعایت تشریفات، مغایر اصول متعدد قانون اساسی به نظر می رسد که دائر بر صلاحیت «رسیدگی و صدور حکم» توسط محاکم قضایی دارد از جمله اصول ۳۶، ۱۶۶ و ۱۶۷ و بویژه مغایر بند (۱) اصل ۱۵۶ قانون اساسی است که تصریح بر «رسیدگی و صدور حکم» دارد.

ب - با توجه به اینکه در اصل دوازدهم قانون اساسی صرفاً به موضوع احوال شخصیه اشاره شده است، لذا عبارت «امور حسبی» موجب توسعه اصل یاد شده می شود، بنابراین از این حیث عبارت «امور حسبی» مغایر اصل مذکور است.

ماده (۵)

چگونگی پرداخت حق الزحمه کارشناسی و داوری در صورت معافیت طرفین به

تشخیص دادگاه، معلوم و مشخص نبوده و از این حیث واجد ابهام است. توضیح ذیل ماده نیز رافع ابهام نیست، لذا عدم پرداخت هزینه کارشناس یا داور و مجانی تلقی کردن کار آنان مغایر اصول چهلم و چهل و ششم قانون اساسی است.

تبصره ماده (۸)

با توجه به اینکه الزام به ذکر و اعلام آخرین اقامتگاه به دادگاه در صورتی که خواهان از آخرین اقامتگاه خوانده مطلع نباشد، می تواند موجب رد دادخواست بشود و ذیل تبصره نیز حکم به تحقیق و اتخاذ تصمیم دادگاه به طرق مقتضی نیز به موردی برمی گردد که آخرین اقامتگاه اعلام گردد، لذا این حکم می تواند مغایر بند (۱۴) اصل سوم و نیز اصل سی و چهارم قانون اساسی باشد، چون موجب تضییع حق دادرسی می باشد.

ماده (۹)

واژه «پست الکترونیک» به دلیل عدم ذکر معادل فارسی آن (رایانامه) مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است.

ماده (۱۰)

درخواست یکی از طرفین برای تأخیر جلسه دادرسی ممکن است عمدی بوده که در این صورت موجب اطاله دادرسی خواهد شد، لذا از این حیث مغایر بند (۶) سیاستهای کلی قضایی نظام در خصوص کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام در زمان مناسب می باشد.

ماده (۱۲)

به موجب ماده (۱۱) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی - مصوب ۱۳۷۹ - دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد.

لذا با عنایت به این که ایجاد امتیاز و تسهیلات برای زوجه بدون دلیل می باشد و دادن مزیت اقامه دعوا در محل سکونت زوجه در جایی که محل سکونت زوج غیر از زوجه است، تبعیض ناروا محسوب می شود، بنابراین مغایر بند (۹) اصل سوم قانون اساسی است و با عنایت به اینکه براساس اصل بیستم قانون اساسی همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند، لذا دادن امتیاز به زنان جهت اقامه دعوا در محل سکونت خود مغایر اصل مذکور است.

ماده (۱۳)

قسمت اخیر ماده که متضمن اعطای امتیاز بدون دلیل به زوجه است، مغایر بند (۹) اصل سوم و اصل بیستم قانون اساسی است.

ماده (۱۴)

دادن امتیاز به زوجه ای که محل سکونت موقت وی در ایران است، بدون دلیل به صرف زوجه بدون وی، مغایر بند (۹) اصل سوم و اصل بیستم قانون اساسی است.

ماده (۱۶)

به جهت آنکه وظایف محوله به مراکز مشاوره در اصل ۱۵۸ و به تبع آن در اصل

۱۵۶ منعکس نشده است، فلذا این ماده موجب توسعه اصل ۱۵۸ شده و مغایر قانون اساسی است. مراکز مشاوره خانواده فاقد صلاحیت قضایی بوده و اصولاً خارج از امور قضایی هستند و با هیچ یک از مفاد اصول ۱۵۶ و ۱۵۸ همخوانی نداشته و موجب توسعه اختیارات رییس قوه و در تغایر با قانون اساسی است.

ماده (۱۷)

الف - واگذاری تمام امور این مراکز به رییس قوه قضاییه براساس آیین نامه مصوب مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۸ است چرا که خدمات این مراکز ارتباطی به اصل ۱۵۶ نداشته و موجب توسعه اصل ۱۵۸ خواهد شد.

ب - با توجه به اینکه مراکز مشاوره، واحدهای غیر قضایی محسوب می شوند و ارتباط آنها با قوه مجریه ملموس و محسوس است، لذا ورود رییس قوه قضاییه به این حوزه و تصویب آیین نامه اجرایی مربوط به آن، مغایر اصول شصتم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است.

ج - با عنایت به اینکه تعیین تعداد اعضا، نحوه انتخاب، گزینش و نحوه رسیگی به تخلفات اعضای مراکز مشاوره و شیوه انجام وظایف به دلیل وضع قواعد آمره متضمن حق و تکلیف برای عامه مردم و ارتباط آن با تنظیم و تنسيق امور مربوط به وابستگان دادگستری از جمله موضوعات تقنینی محسوب می شود، لذا تصویب این موضوعات براساس آیین نامه مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است. لازم به ذکر است چارچوبها و ضوابط مورد نظر برای مشاوران در قانون تشکیل سازمان نظام روان شناسی

و مشاوره جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۲ - توسط قانونگذار تعیین شده است. د - تعیین تعرفه خدمات مشاوره ای توسط رئیس قوه قضاییه به دلیل اینکه ماهیت قضایی ندارد و جزء صلاحیتهای هیئت وزیران محسوب می شود، مغایر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی می باشد.

تبصره ماده (۱۹)

تبصره ماده (۱۹) ابهام دارد، زیرا مشخص نیست که دادگاه اختیار دارد یا اینکه موظف است که با در نظر گرفتن نظریه کارشناسی مراکز خانواده مبادرت به صدور رأی نماید.

اگر موظف باشد، این امر با اصل استقلال قاضی مندرج در اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی مغایرت دارد. بنابراین مکلف کردن دادگاه به تبعیت از نظر مراکز مشاوره (به عنوان اصل) امری خلاف استقلال مقام قضایی است و به منزله الزام مراجع عالی به تبعیت از نظر مراجع تالی است.

تبصره ماده (۲۱)

با توجه به این که ثبت وقایع مربوط به احوال شخصیه از جمله ازدواج و طلاق جزء قواعد موجد حق و تکلیف برای عموم مردم می باشد و ماهیت تقنینی دارد، لذا تصویب ضوابط و چارچوبهای آن به موجب آیین نامه مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

تبصره ماده (۲۳)

قسمت اخیر تبصره مبنی بر منع تولید نسل با اصل بیستم قانون اساسی مبنی بر

برخورداری همه افراد ملت از حقوق انسانی از جمله حق بچه دار شدن مغایر است.

ماده (۲۷)

استثناء کردن طلاق توافقی از بحث داورى، با مفاد اصل دهم قانون اساسى مبنى بر این که همه قوانین و مقررات باید در جهت استواری روابط خانوادگی باشد، مغایر است.

ماده (۳۲)

در این ماده پس از شناسایی حق مطالبه حق الزحمه توسط زن پس از طلاق، ذکر شده است: «با توجه به سنوات زندگی مشترک و وسع مالی و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده است، مبلغی را از باب نخله برای زوجه تعیین می کند.» این حکم با اندکی تغییر، از تبصره (۶) ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق اخذ شده است که با توجه به اینکه فقهای معزز شورای نگهبان آن را فاقد مبنای شرعی می دانستند از تأیید آن خودداری کردند و تبصره مذکور نهایتاً به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. بنابراین ایراد عدم مطابقت با شرع بار دیگر نسبت به این ماده قابل مطرح شدن است.

ماده (۳۵)

در ماده (۳۵) ذکر شده است که مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی می باشد. به نظر می رسد این امر محل ایراد و ابهام است زیرا معمولاً تاریخ ابلاغ رأی قطعی بسیار بیشتر از تاریخ قطعی شدن رأی است و بر همین اساس شروع مهلت

سه ماه متغیر خواهد شد. متغیر بودن و مشخص نبودن شروع مهلت سه ماه این نتیجه را در پی دارد که دادگاه را مختار می سازد که یکی از دو تاریخ فوق را مبنای شروع مهلت اعتبار گواهی قرار دهد و از این جهت طرفین دعوا دچار سردرگمی خواهند شد. زیرا نمی دانند که دادگاه در نهایت تاریخ ابلاغ رأی را ملاک قرار خواهد داد یا ملاک قطعی شدن رأی را. مضافاً ممکن است کسی به اعتبار این که گواهی او سه ماه از تاریخ ابلاغ اعتبار دارد، برنامه های خود را تنظیم کند ولی دادگاه بعداً به او اعلام کند که شروع مهلت را از تاریخ قطعی شدن رأی ملاک قرار داده است. لذا از این حیث به دلیل عدم تأمین امنیت قضایی عادلانه مندرج در بند (۱۴) اصل سوم قانون اساسی مغایرت قانونی دارد.

ماده (۵۷)

براساس ماده (۵۳۹) قانون مجازات اسلامی گواهی خلاف واقع پزشک شش ماه تا دو سال حبس در پی دارد، ولی در این ماده این مجازات به یک تا پنج سال محرومیت از طبابت تبدیل شده که مغایر با بند (۱۵) سیاستهای کلی قضایی نظام مبنی بر تنقیح قوانین قضایی است.

- لایحه موافقت نامه همکاری حقوقی و قضائی در امور مدنی و احوال شخصیه

بین ایران و عراق

اظهار نظر کارشناسی

ماده ۲

تکلیف مراجع قضائی به معاضدت حقوقی بر طبق مفاد موافقتنامه در این ماده دخالت در امور قوه قضائیه توسط قوای دیگر بوده و مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی می باشد. همچنین بر طبق بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی تهیه لوایح قضائی از وظایف رئیس قوه قضائیه است، لذا این ماده مغایر با بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی می باشد.

ماده ۳

بند ۱ قسمت ب

اعطای نیابت قضایی چون شامل مواردی می شود که نایب، غیر واجد صلاحیت و یا غیر منصوب بوده و یا بدون رعایت موازین و احکام اسلام استماع اقرار یا شهادت نموده و یا حکم صادر می نماید، لذا اطلاقش محل تأمل می باشد.

بند ۱ قسمت پ

از آنجا که شناسایی و اجرای تصمیمات و احکام قضائی کشور عراق از آنجا که قضات عراقی غیر منصوب بوده لذا اجرای تصمیمات و احکام چنین قضاتی محل تأمل می باشد.

بند ۲

تکلیف قوه قضائیه به اجرای اقدامات مندرج در این موافقت نامه مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی و استقلال قوا است. همچنین تهیه لوایح قضائی بر طبق بند ۲ اصل ۱۵۸

قانون اساسی بر عهده رئیس قوه قضائیه است.

ماده ۹

در ماده ۹ اعطای نیابت قضایی چون شامل مواردی می‌شود که نایب غیر واجد صلاحیت و یا غیر منصوب و مأذون بوده و یا بدون رعایت موازین و احکام اسلام استماع اقرار یا شهادت نموده و یا حکم صادر می‌نماید نیز می‌گردد، لذا اطلاقش محل تأمل می‌باشد.

ماده ۱۱

اجرای نیابت قضائی توسط قوانین داخلی مرجع درخواست شونده (عراق) چون اطلاق آن شامل قوانین خلاف شرع نیز می‌شود و نیز طرف متعاقد درخواست شونده بر اساس ذیل ماده تکلیفی در اجابت درخواست مرجع درخواست‌کننده در شیوه اجرای نیابت قضایی ندارد و از طرفی این درخواست نیز باید با قانون داخلی مرجع درخواست شونده منطبق باشد که اطلاق آن ممکن است شامل موارد خلاف شرع نیز شود، لذا محل تأمل می‌باشد.

ماده ۱۵

اطلاق اثر قانونی یکسان اقدام قانونی مطابق موافقتنامه در اجرای نیابت، با اقداماتی که نزد مرجع قضائی طرف متعاقد دیگر دارد، از آنجا که شامل تمام قوانین عراق حتی مخالف با شرع نیز می‌گردد لذا محل تأمل می‌باشد.

ماده ۱۸

مصونیت کارشناس یا شاهد به خاطر جرم ارتکاب یافته در این ماده مغایر با بندهای

۹ و ۱۴ اصل ۳ (رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون) می باشد.

ماده ۱۹

از آنجایی که اطلاق اتباع مذکور در این ماده، شامل اشخاص حقوقی و از جمله آنها اشخاص حقوقی عمومی و دولتی نیز می شود لذا بر اساس اصل ۱۳۹، «ارجاع دعوا به داوری در موارد اموال عمومی و دولتی موکول به تصویب هیأت وزیران بوده و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد»، فلذا اطلاق این ماده مغایر اصل ۱۳۹ قانون اساسی است.

ماده ۲۱

با توجه به این که الزام ارجاع به داوری مذکور در این ماده، شامل اشخاص حقوقی و از جمله آنها اشخاص حقوقی عمومی و دولتی نیز می شود لذا بر اساس اصل ۱۳۹، «ارجاع دعوا به داوری در موارد اموال عمومی و دولتی موکول به تصویب هیأت وزیران بوده و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد»، فلذا اطلاق این ماده مغایر اصل ۱۳۹ قانون اساسی است.

ماده ۴۲

با توجه به اینکه موافقت نامه ها در حکم قانون بوده و طبق ماده ۹ قانون مدنی همان اعتبار قانون عادی را دارا می باشند و طبق اصل ۷۳ قانون اساسی «شرح و تفسیر

قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است» لذا اطلاق این ماده برای حل و فصل اختلاف ناشی از تفسیر از طریق مذاکره مستقیم یا از طریق مجاری دیپلماتیک مغایر اصل ۷۳ قانون اساسی می‌باشد.

- لایحه موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و دولت جمهوری عراق

اظهار نظر کارشناسی

کلیات

از آنجا که مفاد این موافقتنامه در مورد امور قضایی می‌باشد طبق بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی تهیه لوایح قضایی از اختیارات رئیس قوه قضائیه بوده و طبق تفسیر شورای محترم نگهبان به شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ «هیأت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی برای تصویب نهایی ارسال نماید». لذا به نظر می‌رسد هر چند در رویه موجود این امر واقع می‌شود اما به نظر می‌رسد تهیه و ارسال این لوایح بدون کسب نظر موافق رئیس قوه قضائیه مغایرت آشکار با اصول ۵۷ و ۶۱ و بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی دارد. لذا کلیات این لایحه و نیز موادی که برای مراجع و دستگاه قضایی الزاماتی را تعیین نموده است مغایر با اصول ۵۷ و ۶۱ و بند ۲ اصل ۱۵۸ می‌باشد.

ماده ۱۸

با توجه به اینکه موافقت نامه ها در حکم قانون بوده و طبق ماده ۹ قانون مدنی همان اعتبار قانون عادی را دارا می باشند و طبق اصل ۷۳ قانون اساسی «شرح و تفسیر

قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است» لذا اطلاق این ماده برای حل و فصل اختلاف ناشی از تفسیر از طریق مذاکره مستقیم یا از طریق مجاری دیپلماتیک، مغایر اصل ۷۳ قانون اساسی می باشد.

- لایحه موافقتنامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و کیفری بین ایران و بوسنی و هرزگوین

۱. سابقه لایحه

موافقت نامه مذکور پس از امضای طرفین در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۲۴ و تصویب هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۶ به مجلس شورای اسلامی ارائه شد.

۲. قوانین و مقررات مرتبط

الف: قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسائی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم شده در نیویورک به تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ میلادی (۱۳۳۷/۴/۳ هجری شمسی) - مصوب ۱۳۸۰ -

ماده واحده - به دولت اجازه داده می شود با لحاظ شرایط زیر به کنوانسیون شناسائی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم شده در نیویورک به تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ میلادی (۱۳۳۷/۴/۳ هجری شمسی)، مشتمل بر شانزده ماده ملحق شود و اسناد الحاق را به امین مربوط تسلیم نماید:

۱. جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون را منحصراً در مورد اختلافات ناشی از روابط حقوقی قراردادی یا غیر قراردادی که حسب قوانین جمهوری اسلامی ایران تجاری

محسوب می شوند، اعمال خواهد کرد.

۲. جمهوری اسلامی ایران فقط کنوانسیون را بر اساس رابطه متقابل، اعمال و احکامی را شناسایی و اجرا خواهد کرد که در قلمرو یکی از دولتهای عضو کنوانسیون صادر شده باشد.

۳. اظهار نظر کارشناسی

واژه «کپی» مندرج در بند «الف» ماده (۳۸) به دلیل عدم ذکر معادل فارسی آن (رونوشت) مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است.

- اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران

۱- سابقه قانونی

به موجب ماده (۵) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور - مصوب ۱۳۷۳ - به منظور تأمین موجبات و امکانات بیمه خدمات درمانی کارکنان دولت، افراد نیازمند، روستائیان و سایر گروههای اجتماعی، سازمان بیمه خدمات درمانی تشکیل و به صورت شرکت دولتی اداره خواهد شد.

در بند «ب» ماده (۳۸) قانون برنامه پنجم توسعه - مصوب ۱۳۸۹ - به دولت اجازه داده شد بخشهای بیمه های درمانی کلیه صندوقهای موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور را درسازمان بیمه خدمات درمانی ادغام نماید. تشکیلات جدید سازمان بیمه سلامت ایران نامیده می شود و کلیه

امور مربوط به بیمه سلامت در این سازمان متمرکز می شود. اساسنامه سازمان مذکور نیز با پیشنهاد معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیئت وزیران می رسد. بر این اساس اساسنامه مذکور پس از تصویب هیئت وزیران جهت طی تشریفات قانونی به شورای نگهبان ارسال شده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

۱. بر اساس تبصره (۱) بند «ب» ماده (۳۸) قانون برنامه پنجم توسعه، شمول مفاد این بند به صندوقهای خدمات درمانی نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات با اذن مقام معظم رهبری است، لذا اطلاق ماده (۲) و تبصره (۱) ماده (۵) بدون اخذ مجوز مقام معظم رهبری موجب توسعه قانون و از این جهت مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی و از جهت عدم تصریح به اذن مقام معظم رهبری مغایر اصل پنجاه و هفتم و بند (۴) اصل یکصد و دهم قانون اساسی است.

۲. بر اساس ماده (۱۸) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی - مصوب ۱۳۸۳ - اعمال این قانون در ارتباط با کمیته امداد امام خمینی (ره) و امور مرتبط با نیروهای مسلح منوط به اذن مقام معظم رهبری می باشد، لذا اداره سازمان بیمه سلامت ایران بر اساس قانون مذکور که متضمن مفاد ماده (۱۸) نیز است، مغایر اصل پنجاه و هفتم و بند (۴) اصل یکصد و دهم قانون اساسی است.

۳- با توجه به اینکه بر اساس تبصره (۳) بند «ب» ماده (۳۸) قانون برنامه پنجم توسعه، وظایف، اختیارات و مسئولیت های شورای عالی بیمه سلامت کشور به تصویب

مجلس شورای اسلامی می رسد، لذا تعیین وظیفه برای شورای مذکور به شرح مندرج در تبصره ماده (۲) قانونگذاری تلقی می شود و از این حیث مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

تبصره (۲) ماده (۴)

به موجب تبصره (۳) ماده (۱۳) قانون اجرای سیاستهای کلی اصل (۴۴) قانون اساسی « - مصوب ۱۳۸۷ - افتتاح و تداوم فعالیت دفاتر و شعب خارج از کشور شرکتهای دولتی تنها با پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی دارایی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مجاز است ، لذا موجب خروج از اذن قانونگذار شده است و از این جهت مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

تبصره (۱) ماده (۴)

با توجه به اینکه در ماده (۴) مرکز اصلی صندوق در تهران تعیین شده است و اصولاً تعیین مرکز اصلی شرکتهای دولتی جنبه اساسنامه ای دارد و نمی توان اصلاح آن را به نهاد و مرجع دیگری تفویض کرد، لذا اعطای صلاحیت به هیئت امنا در خصوص جابجایی مرکز اصلی صندوق به شرح مندرج در تبصره (۱) ماده (۴) مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

ماده (۴)

نظر به اینکه تبصره (۱) ماده (۱۲) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی - مصوب ۱۳۸۳ - مقرر نموده است:

«تبصره ۱- نهاده‌ها، سازمانها، مؤسسات و صندوقهای اصلی فعال در قلمروهای بیمه ای، حمایتی و امدادی این نظام مکلفند امور اجرایی و تصدی‌گری خود در زمینه تولید و ارائه خدمات و تعهدات قانونی مربوطه را به موجب قراردادهایی که ضوابط آن با پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و تصویب شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی تعیین خواهد شد به مؤسسات کارگزاری محول نمایند.»

بنابر این مفاد ماده (۴) در قسمتی از آن که پیش بینی شده است سازمان می‌تواند از طریق واگذاری برخی از امور به کارگزاری‌ها نسبت به انجام وظایف قانونی خود اقدام نمایند از دو جهت واجد ایراد است:

یکی از آن جهت که به موجب تبصره یادشده صندوقهای بیمه‌ای مکلف به واگذاری امور اجرایی و تصدی‌گری به مؤسسات کارگزاری شده‌اند، در حالی که قسمت اول ماده (۴) با عبارت «می‌تواند در تهران و سایر مناطق کشور از طریق شعب و نمایندگی‌ها یا از طریق واگذاری...» دلالت بر تجویز انجام امور موضوع تبصره (۱) ماده (۱۲) قانون یاد شده توسط شعب و نمایندگی‌ها دارد و این امر مغایر تکلیف موضوع تبصره (۱) ماده (۱۲) می‌باشد، به علاوه در ماده (۴) پیش بینی شده است که برخی از امور به کارگزاریها محول گردد و این عبارت به معنای آن است که کلیه امور اجرایی و تصدی‌گری واگذار نشود و این امر نیز مغایر تبصره (۱) ماده (۱۲) می‌باشد، لذا به دلیل خروج از حدود اذن قانونی، مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «س» ماده (۷)

قرار دادن وظیفه « اقامه دعوا در مراجع قانونی » در زمره وظایف سازمان بیمه سلامت ایران به شرح بند « س » ماده (۷) وجاهتی ندارد و این امر مطابق قوانین و اساسنامه‌های مشابه در زمره وظایف مدیر عامل قرار دارد.

بند «ع» ماده (۷)

مطابق تبصره (۳) بند «ب» ماده (۳۸) قانون برنامه پنجم توسعه، وظایف، اختیارات و مسئولیتهای شورای عالی بیمه سلامت باید با تقدیم لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، در حالی که چنانکه ذکر شد مقدماً باید این وظایف و اختیارات به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و مبتنی بر آن قانون، اساسنامه از جمله مشتمل بر نحوه اجرای وظایف قانونی شورای عالی بیمه سلامت تنظیم گردد، لذا باعنایت به اینکه شرح وظایف و صلاحیتهای شورای عالی بیمه سلامت تا کنون معلوم نشده است، اطلاق حکم مندرج در بند مذکور به جهت ضرورت تعیین وظایف شورای مذکور بر اساس قانون، موجب خروج از اذن مقنن است و از این حیث مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.

بند «ل» ماده (۷)

تعیین ضوابط مربوط به انعقاد و فسخ قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی توسط هیئت امنا با توجه به ماهیت تقنینی آن، مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است و اگر جنبه آیین نامه‌ای داشته باشد، بر اساس اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، هیئت وزیران مرجع صلاحیتدار برای وضع و تصویب آن است نه هیئت امنای سازمان بیمه سلامت، لذا از این حیث نیز مغایر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است.

بند «م» ماده (۷)

با توجه به ماهیت آیین نامه‌ای و جنبه مقررات گونه ضوابط مربوط به تنظیم و بررسی اسناد و مدارک پزشکان، گروه‌ها و مؤسسات پزشکی طرف قرارداد، اعطای صلاحیت تصویب این موضوع به مرجعی غیر از هیئت وزیران (یعنی هیئت امنای سازمان مذکور)، مغایر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است.

لازم به ذکر است بر اساس بند «ب» ماده واحده قانون اصلاح ماده (۱۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری و چگونگی تعیین مدیریت سازمان تأمین اجتماعی و صندوقهای بازنشستگی و بیمه‌های درمانی - مصوب ۱۳۸۸-، هیئت امنای مذکور در بند (ب) یعنی شش نفر پیشنهادی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تصویب شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی و سه نفر مطابق جزء (۲) بند (الف) ماده (۱۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی از نمایندگان خدمات گیرندگان، در حکم هیئت امنای صندوقهای بیمه‌های خدمات درمانی خواهند بود، لذا به دلیل حضور افراد غیر وزیر در هیئت امنای سازمان بیمه سلامت ایران، تصویب مقررات آیین نامه‌ای توسط هیئت مذکور مغایر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است.

بند «د» ماده (۹)

با توجه به اینکه موضوعات مربوط به امور اداری و استخدامی شرکتهای دولتی در قانون مدیریت خدمات کشوری توسط قانونگذار تعیین تکلیف شده است و مقنن صلاحیتی برای هیئت امنای سازمان بیمه خدمات درمانی پیش بینی نکرده است، لذا

اعطای صلاحیت به هیئت امنای برای تصویب آیین نامه اداری و استخدامی موجب خروج از اذن مقنن است و از این حیث مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است. همچنین با توجه به اینکه بر اساس مفاد ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه و ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه، هیئت وزیران مرجع تصویب آیین نامه مالی و معاملاتی شرکتهای دولتی تعیین شده بود و این حکم در قانون برنامه پنجم توسعه تنفیذ نشده است، لذا حتی اگر در بند «د» ماده (۹)، صلاحیت تصویب آیین نامه مالی و معاملاتی به هیئت وزیران نیز پیش بینی می شد، این امر به دلیل فقدان مجوز قانونی مغایر اصل هشتاد و پنجم تلقی می شد، بنابر این تعیین هیئت امنای سازمان بیمه سلامت ایران به عنوان مرجع تصویب آیین نامه مالی و معاملاتی به دلیل فقدان جواز قانونی مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی و از جهت اینکه مرجع تصویب آیین نامه بر اساس اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی هیأت وزیران است، به دلیل حضور افراد غیر وزیر در هیئت امناء مغایر اصل مذکور است.

بند «ب» ماده (۱۶)

مطابق ماده (۴) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰-، دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می شود، همچنین اخذ هدایا و کمک نقدی و جنسی در قبال کلیه معاملات اعم از داخلی و خارجی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکتهایی که

شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است و یا تابع قوانین خاص هستند، ممنوع می باشد. قانونگذار در برخی قوانین مجوز لازم را برای دستگاههای اجرایی صادر کرده است که می توان به هیئت امنای کتابخانه های عمومی کشور، بنیاد شهید و امور ایثارگران، شوراهای آموزش و پرورش مناطق کشور، صندوق رفاه دانشجویان، انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، سازمان آموزش و پرورش استثنایی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان مدیریت بحران کشور، صندوق تأمین خسارتهای بدنی سازمان بهزیستی کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران، سازمان انتقال خون ایران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، صندوق تأمین اجتماعی و شهرداری اشاره کرد، لذا چون مجوزی از سوی قانونگذار، در این زمینه برای سازمان بیمه سلامت ایران صادر نشده است، حکم بند «ب» ماده (۱۶) به دلیل خروج از حدود اذن قانونگذار مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «د» ماده (۱۶)

باعنایت به اینکه وجوه حاصل از خسارات، جرایم و جزایهای نقدی بر اساس اصل پنجاه و سوم قانون اساسی جزء دریافتهای دولت محسوب می شود و باید در حسابهای خزانه داری کل متمرکز شود، لذا تلقی وجوه مذکور به عنوان منابع درآمدی سازمان بیمه سلامت ایران، مغایر اصل مذکور است و از جهت اینکه در قوانین مربوط چنین

حکمی پیش بینی نشده است، لذا موجب خروج از اذن مقنن و از این جهت مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

- اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی

ماده (۲)

حکم استقلال استخدامی و اداری و مالی و معاملاتی نیازمند مجوز مقنن است و چون چنین حکمی در ماده (۵) قانون حمایت از شرکتها و موسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوریها و اختراعات - مصوب ۱۳۸۹ - وجود ندارد، لذا از این حیث خروج از اذن مقنن و مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.

ماده (۴)

عبارت سایر منابع به دلیل توسعه حکم مقنن (مندرج در تبصره (۲) ماده (۵) قانون مذکور) موجب خروج از اذن مقنن و از این حیث مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند (۶) ماده (۵)

با عنایت به اینکه منابع مالی صندوق در ماده (۵) قانون مذکور احصا شده است، لذا بند (۶) ماده (۵) ناظر به سایر کمکهای مالی خروج از اذن مقنن و از این حیث مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

ماده (۵)

با توجه به اینکه در ماده (۵) قانون یاد شده، یکی از منابع مالی صندوق، اعتبارات مندرج در بودجه سالانه ذکر شده است و در ماده (۵) اساسنامه به آن تصریح نشده است، لذا از این حیث موجب تضییق حکم قانون و مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

تبصره ماده (۵) و ماده (۶)

با عنایت به اینکه در ماده (۵) قانون صرفاً به بانکها اشاره شده است، لذا حکم تبصره ماده (۵) و (۶) اساسنامه که شامل موسسات اعتباری و صندوقها نیز می شود، موجب توسعه محدوده قانون و از این حیث مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «ت» ماده (۹)

تصویب آیین نامه های مالی، استخدامی، اداری و معاملاتی توسط هیئت امنا با توجه به صلاحیت هیئت وزیران مندرج در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، مغایر اصل مذکور است.

بند «د» ماده (۹)

اتخاذ تصمیم در مورد کاهش یا افزایش سرمایه صندوق با توجه به اینکه موضوع یاد شده جنبه اساسنامه ای دارد، لذا تفویض آن به نهادهای دیگر، مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «ذ» ماده (۹)

صلح و سازش و ارجاع به داوری و استرداد دعوی بدون تصریح به صلاحیت مراجع

قانونی مندرج در اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی مغایر اصل مذکور است.

بند «ر» ماده (۹)

عبارت «و نیز مواردی که در جهت اهداف صندوق قرار دارد» به دلیل اطلاق آن که شامل موارد خارج از چهارچوب های قانونی و اساسنامه ای است، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های
آینده، که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود را اینها و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع
نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه
حظ ضرورت کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه می‌دراست شود توجه نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۳۳)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

تهران - صندوق پستی ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵